

مهاجرت و ماندگاری روستاییان در شرایط خشک سال

بخش زیرکوه شهرستان قاینات

دکتر رستم صابری فر، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور
دکتر مهدی ثقفی، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور
ابراهیم شمسی، دبیر دبیرستان‌های زیر کوه قاین

چکیده

این مطالعه به شیوه موردی - شاهدهی، مهاجرت‌های سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۸ را در بخش زیرکوه شهرستان قاینات مورد بررسی قرار داده است. به منظور امکان مقایسه وضعیت این افراد با سایر روستاییان، تعدادی از ساکنان ماندگار به عنوان شاهد در نظر گرفته شده‌اند. اطلاعات مورد استفاده در تحقیق از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه با افراد مهاجر در شهر و روستاهای مورد مطالعه گردآوری و در نهایت با روش‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در بررسی فاکتورهای مؤثر بر ماندگاری که براساس آنالیز رگرسیون لجستیک شرطی صورت گرفته است، مشخص شد که متغیرهای شیوه مقابله با خشک‌سالی به خصوص عملگرهای غیرفنی، شیوه بهره‌برداری سنتی، داشتن مشکلات خانوادگی، داشتن بدهکاری، سابقه مهاجرت موقت و نداشتن منبع درآمد غیر از کشاورزی و دامداری و داشتن نگرش منفی نسبت به زندگی در روستا، ارتباط معناداری با مهاجرت از روستا داشته است. بر این اساس، توجه ویژه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و رفاهی روستاها و ارائه آموزش‌های ترویجی و فنی و حمایت و پشتیبانی از روستاییان در معرض خطر، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش مهاجرت از روستا داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: خشک‌سالی، اقتصاد روستایی، مهاجرت، قاینات،

زیرکوه

خشک‌سالی از نظر تعداد وقوع، شدت، مدت، گستردگی و آثار منفی تاریخی و اقتصادی در رتبه اول بلایای طبیعی قرار دارد. به همین دلیل، مردمی که با این بلای مهم مواجه می‌شوند، واکنش‌های مختلفی از خود نشان می‌دهند. در زمان خشک‌سالی به دلیل صدمه دیدن بنیادهای اصلی اقتصاد روستایی، بسیاری از کشاورزان و دامداران ناچار می‌شوند اموال و ذخایر سرمایه‌ای خود را به فروش برسانند و زمانی که خشک‌سالی برای مدت طولانی در یک منطقه ادامه پیدا می‌کند، گروه بیشتری از روستاییان خانه و کاشانه خود را رها می‌کنند و به شهرها می‌روند و احتمال بازگشت آن‌ها به زندگی معمول قبلی، بسیار ضعیف‌تر می‌شود. البته همه روستاییان به یک شیوه عمل نمی‌کنند و به همین دلیل، گروه زیادی از آن‌ها با اتخاذ رویکردهای مختلف، این شرایط را به خوبی پشت‌سر می‌گذارند و با حذف شرایط بحرانی، بار دیگر به زندگی عادی قبلی باز می‌گردند. این بررسی سعی دارد با مطالعه دو گروه از روستاییان، یکی گروهی که با وقوع خشک‌سالی منطقه را ترک کرده و راهی شهرها شده‌اند و گروه دیگر که با اتخاذ رویکردهای متفاوت، گزینه مهاجرت را انتخاب نکرده‌اند و همچنان به زندگی در منطقه ادامه داده‌اند، عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر خروج و ماندگاری روستاییان در مقابل بلایای طبیعی به خصوص خشک‌سالی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

مقدمه

آمایش سرزمین و پراکندگی مناسب جمعیت در پهنه‌های جغرافیایی کشور، یکی از اهداف اساسی دولت‌ها به شمار می‌آید؛ شرایطی که در طی چند دهه اخیر به دلیل مهاجرت گسترده روستاییان به شهرهای بزرگ، هیچ‌گاه به معنای واقعی تحقق پیدا نکرده است. مهاجرت‌های اتفاق افتاده نه تنها عدم تعادل سابق را دوچندان کرده است، بلکه به دلیل سرمایه‌گذاری‌های جدید در مراکزی که از جمعیت بالاتری برخوردار بوده‌اند، تشدید شده‌اند. چنانچه این روند به نحو مناسبی مدیریت و کنترل نشود، نه تنها مشکلات و تنگناهای مراکز جمعیتی بزرگ را بیشتر می‌کند، بلکه بخش قابل ملاحظه‌ای از سرزمین را بلااستفاده باقی می‌گذارد. به اعتقاد دکتر پاپلی، دولتی که کشورش با مهاجرت بی‌رویه دست به گریبان است، اگر خواهان کنترل این گونه مهاجرت‌ها و جلوگیری از اثرات سوء اقتصادی - اجتماعی آن است، باید عدالت را اجرا کند. مهاجرت بی‌رویه نتیجه بیماری یک جامعه است و اصلاح آن نیاز به مداوای هماهنگ همه بخش‌های اداری - مالی یک کشور دارد (پاپلی یزدی، ۱۳۶۶: ۳۷). در نتیجه، مطالعه و بررسی کاهش مهاجرت‌های موجود به خصوص عوامل و مؤلفه‌هایی که در ماندگاری این افراد در روستاها مؤثر خواهد بود، بسیار ضروری و حیاتی تلقی می‌شود. به عقیده پیش‌گسوتان مطالعات مهاجرت، غلبه انگیزه‌های اقتصادی، قوانین بد یا ظالمانه، مالیات سنگین، عدم جاذبه اقلیمی، شرایط اجتماعی نامساعد و حتی اجبار تمامی آن‌ها، جریانات مهاجرت را ایجاد کرده و هنوز هم ایجاد می‌کند (لهسانی‌زاده، ۱۳۶۸: ۵۷). این مطالعه نیز در همین راستا و با تأکید بر بحران‌های محیطی (خشک‌سالی) به انجام رسیده است. هدف این بررسی، تعیین علل و مؤلفه‌های مؤثر بر مدیریت بلایای طبیعی و اتخاذ شیوه‌های مناسب مقابله با شرایط غیرعادی و پرتنش در بین روستاییان بخش زیرکوه شهرستان قاینات است.

داده‌ها و روش‌ها

این مطالعه از نوع موردی - شاهدهی و به صورت آینده‌نگر انجام گرفته است. به این منظور مهاجرت‌های بخش زیرکوه شهرستان قاینات در طی - چند سال حاکمیت خشک‌سالی مطالعه شده است. برای هر مورد مهاجرت انجام شده، دو شاهد انتخاب شده است تا امکان مقایسه وجود داشته باشد. شاهد‌های انتخابی براساس زمان، مکان اولیه، دلایل مهاجرت و بعد خانوار شباهت کامل یا تقریباً کامل با نمونه‌های اصلی داشته‌اند.

نمونه مورد مطالعه در این بررسی، شامل ۱۱۸ مهاجر خارج شده بوده است که با توجه به در نظر گرفتن دو شاهد برای هر مورد اصلی، تعداد گروه شاهد ۲۳۶ نفر تعیین شده است. روش جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ای بوده است که براساس اطلاعات به دست آمده از مصاحبه

با افراد مورد مطالعه، تکمیل و در نهایت داده‌های مورد نظر گردآوری شده‌اند. در گروه شاهد با انتخاب فرد یا افراد متناسب با شرایط و وضعیت مهاجرین، برای مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه به محل سکونت آن‌ها مراجعه کرده و نسبت به گردآوری داده‌ها اقدام شده است. در نهایت، داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و سایر نرم‌افزارهای سازگار با این تحقیق، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. از آنجا که نمونه‌های مورد مطالعه با موارد شاهد به صورت مورد به مورد هماهنگ شدند، برای تعیین عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر ماندگاری یا مهاجرت روستاییان، از روش آنالیز رگرسیون لجستیک شرطی و براساس آلفای معادل ۰/۰۵ بهره‌برداری شده است.

پیشینه و چارچوب نظری تحقیق

با وجود آنکه دلایل و محرک‌های مهاجرتی در هر زمان و مکان تفاوت‌هایی با هم دارند (وحیدی، ۱۳۶۴: ۱۱)، اما به‌طور کلی انسان‌ها براساس فطرت طبیعی خود، اغلب از سرزمین‌هایی که شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها نامساعد است، خارج و به مناطقی که دارای جاذبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهتری هستند، وارد می‌شوند. به همین دلیل، مهاجرت همیشه منفی و خطرناک به نظر نمی‌رسد. اما در سرزمین‌های خشک و نیمه‌خشک که انسان‌ها به دلیل شرایط خاص و دسترسی اندک به آب در آبادی‌های کوچک و پراکنده مستقر شده‌اند، اگر این جمعیت به روستاهای محدود و بزرگ روی بیاورند و متمرکز شوند، مشکلاتی به وجود می‌آید.

اولین مشکل آن است که بهره‌مندی مناسب از توان‌های محیطی موجود (که اغلب به صورت محدود و پراکنده مشاهده می‌شوند. مسئله‌ساز خواهد بود مسئله دوم آن است که از جنبه تأمین مایحتاج جمعیت‌های متمرکز در نقاط خاص (برای اطلاع نگاه کنید به زمانی‌پور، ۱۳۸۰) به خصوص آب در زمان وقوع خشک‌سالی، شرایط بحرانی می‌شود. بر این اساس، مطالعه پدیده مهاجرت در این مناطق ضرورت بیشتری دارد.

به‌طور کلی، مطالعه پدیده مهاجرت همیشه مورد توجه اندیشمندان بوده است. بر طبق اسناد موجود، اولین کسی که به دریافت قوانین مهاجرت به عنوان یک پدیده اجتماعی همت گماشت، اقتصاددان انگلیسی، راونشتین بود که در سال‌های ۱۸۸۵ تا ۱۸۸۹ به طرح قوانین جذب و دفع پرداخت. به عقیده او عوامل جذاب اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی فرد مهاجر را به سوی مهاجرت جلب می‌کند و عوامل نامطلوب اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی او را از محل اقامت خویش دفع می‌کند (Ravenstein, ۱۹۲۶). ردفورد این نظریه را بعدها در سال ۱۹۲۹ مورد تأیید قرار داد (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۵) و

در سال ۱۹۴۶، استافر و زیپف، به ترتیب به عوامل میانی در مهاجرت اشاره کردند. با این تفاوت که استافر به موقعیت‌ها و عوامل مؤثر در مهاجرت توجه می‌کند و زیپف برای عامل جذب یک رابطه

یا فرمول ارائه می‌کند (زیپف، ۱۹۴۶). در سال ۱۹۵۶، هاگراستراند به بیان رابطه مهاجرت و منطقه می‌پردازد و سعی می‌کند مدلی برای ارتباط بین این دو متغیر بیابد. این نوع پرداخت به مسئله در قالب نظریه مدل‌های احتمالاتی مهاجرت مطرح می‌شود که در آن سعی شده است با استفاده از مدل‌های آماری، رابطه بین متغیرهای مختلف با مهاجرت به دست آید (صابری‌فر و مزرعاوی، ۱۳۸۸).

در سال ۱۹۶۱، بشرز و نیشیورا، خلاصه‌ای از نظریه افتراق در مهاجرت به دست می‌دهند. در سال ۱۹۶۲، شولتز و سجااستد، به سرمایه‌گذاری انسان در امر مهاجرت می‌پردازند، به نظر آن‌ها، هر مهاجر مقایسه‌ای انجام می‌دهد بین دستاوردها و از دست‌داده‌ها. اگر دستاوردهایش بیش از فقدان‌ها باشد، دست به مهاجرت می‌زند. در سال ۱۹۶۶، اورت اس. لی در قالب نظریه جذب و دفع به تحلیل عوامل میانی بین مبدأ و مقصد می‌پردازد و بر آن است که علاوه بر عوامل مثبت و منفی و خنثی که در مبدأ و مقصد وجود دارند، مشخص کند که عوامل میانی نیز در امر مهاجرت مؤثرند و بدون توجه بدین عوامل نمی‌توان تصویری درست از مسئله ارائه داد (زاهدی زاهدانی، ۱۳۶۵).

الیاس و همکاران^۲ (۱۹۹۶)، مارشال کلینارد^۳ (۱۹۶۶)، جورج تولی^۴ (۱۹۸۹) و پل نوکس^۵ (۱۹۹۸) مطالعات فوق را با شیوه‌های متفاوت پیگیری کردند. این روند در ایران با کارهای محمد حمصی (۱۳۵۴)، موجدی و محمدی (۱۳۵۶)، آیرملو (۱۳۶۳)، ایمانی (۱۳۷۵)، بیک محمدی (۱۳۷۷)، زنجانی (۱۳۸۰)، فرخ‌لو و حسنی (۱۳۸۵)، اصلانی (۱۳۸۵) و صابری‌فر و مزرعاوی (۱۳۸۸)، پیگیری شد.

مطالعات مرتبط با مهاجرت با هر شیوه‌ای به انجام برسد، در قالب یک یا دو مورد از نظریه‌های مهم فلسفی به عنوان چارچوب مفهومی جای می‌گیرند. این چارچوب‌های نظری را می‌توان به چند گروه اساسی تقسیم‌بندی کرد:

نظریات تضاد: در این مکتب آنچه مهاجران را مجبور به مهاجرت می‌کند، نیروهای غالب دافعه‌مبدأ در مقابل جاذبه‌های مقصد مهاجرتی است (اصلانی، ۱۳۸۵).

دیدگاه کلاسیک: در این دیدگاه مهاجرت عمدتاً از بطن تصمیم‌گیری فردی پدید می‌آید. در این دیدگاه با وجود آنکه این امر برای مداخله سیاست‌گذاران در سطح فردی یا خانوادگی مفید است، اما تحرکات جغرافیایی ناشی از بیکاری را که برای تطبیق با وضعیت اشتغال صورت می‌گیرد، نمی‌توان با مداخله در سطح واحد تصمیم‌گیری فردی مورد توجه قرار داد.

نظریات مارکسیستی: تأکید این مکتب بر شیوه‌های گوناگون تولید است. یعنی چون شیوه‌های گوناگون تولید در هر اجتماع دستخوش تغییرات سریع می‌شوند و این فرایند بر نیروی انسانی در روستاها تأثیر می‌گذارد، مهاجرت نمایانگر پاسخ عینی به چنین تغییراتی است.

رهیافت سیستمی: در این دیدگاه مهاجرت فرایندی فضایی

است که عوامل پویا و تأثیرات فضایی آن باید بخشی از هر گونه ادراک از جامعه را در بر داشته باشند. چنین درکی در چارچوب نظریه عمومی سیستم‌ها بهتر صورت می‌گیرد، زیرا مهاجرت نیز سیستمی اجتماعی - فرهنگی و دارای خواص سیستم‌های باز است (کوششی، ۱۳۶۹: ۱۴).

مکتب کارکردگرایی: از نگاه این مکتب، مهاجر روستایی در مقصد، وارد یک ساخت اجتماعی از قبل ساخته و پرداخته می‌شود این ساخت به لحاظ اندازه و تراکم از مبدأ بزرگ‌تر است و تقسیم کار پیچیده‌تری دارد. ساخت مقصد، مهاجر را ابتدا در خود جذب و سپس با خود همانند می‌گرداند. مهاجر بعد از همانند گردیدن با محیط، به یگانگی با محیط نائل می‌آید.

رهیافت معیشتی: رهیافت معیشتی درباره مهاجرت در واقع پاسخی انتقادی به نظریه‌های رایج مهاجرت اعم از نظریه‌های خرد و کلان است. صاحب‌نظران این رهیافت معتقدند که در پدیده مهاجرت، ما با انسان‌هایی سر و کار داریم که در تجزیه و تحلیل همه‌جانبه از وضعیت موجود خویش، مهاجرت را به مثابه راهبردی برای بقا و استمرار معیشت خود انتخاب می‌کنند.

نظریه دوگانگی اقتصادی و نوسازی: براساس این نظریه، روند توسعه و رشد جوامع مستلزم پنج مرحله اساسی است که در آن‌ها جامعه باید مراحل سنتی، گذار، خیزش، بلوغ و مصرف انبوه را بگذراند. بر این اساس، مهاجرت به عنوان یکی از ساز و کارهای تعادل‌بخش انتقال نیروهای مولد جامعه از بخش سنتی کشاورزی به بخش بلوغ و مصرف انبوه صنعتی که نشان‌دهنده توسعه‌یافتگی است، مطرح می‌شود.

همان‌طور که مشاهده می‌شود هیچ یک از نظرات فوق به تنهایی نمی‌تواند ابعاد چندگانه مهاجرت را تبیین کنند، اما با توجه به شرایط ویژه‌ای که مهاجرت‌های مورد بررسی در آن حادث شده‌اند، در این مطالعه عمدتاً تحلیل‌ها در قالب رهیافت معیشتی، دیدگاه کلاسیک و رهیافت تضاد به انجام رسیده‌اند.

یافته‌ها

سیاست‌ها و رویکردهای مورد عمل در سطح کلان «به تضعیف هر چه بیشتر روستا از نظر اقتصادی و به نسبت جلوه و توسعه برتر شهری انجامیده و زمینه مهاجرت‌های روستا - شهری را فراهم، بلکه تشدید کرده است» (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۴۵). این شرایط وقتی با تنگناهای موجود در مناطق خشک و کم‌آب یا سرزمین‌هایی که به هر طریق دیگر با قهر طبیعت مواجه می‌باشند توأم شود، توجیه مناسبی برای افزایش مهاجرت خواهد بود اما روستاییان به سادگی تن به مهاجرت نمی‌دهند. آن‌ها تمام تلاش و دانش خود را به خرج می‌دهند تا در مکانی که به آن تعلق خاطر داشته و زندگی و سرنوشت خود را رقم زده‌اند، باقی بمانند. بهره‌گیری از شیوه‌های خاص تقسیم

شده است. سایر متغیرهایی که در این جدول ارائه نشده است و البته تفاوت معناداری را بین گروه‌های مورد و شاهد در این مطالعه نشان نداده‌اند، عبارتند از: میزان درآمد همسر، شغل فرزندان، فاصله مقصد و مبدأ، مالکیت مسکن در روستا و...

جدول ۲

مهاجرت در دوره خشک‌سالی	فراوانی	درصد
قبل از اتمام سال اول	۳۳	۲۷/۹۷
بین سال اول و دوم	۴۳	۳۶/۴۴
بین سال دوم و سوم	۱۹	۱۶/۱۰
بین سال سوم و چهارم	۱۵	۱۲/۷۱
شروع سال پنجم	۸	۶/۷۸

جدول ۲: توزیع فراوانی خروج مهاجران بر حسب زمان گسترش خشک‌سالی (اطلاعات میدانی)

براساس اطلاعات ارائه شده در جدول ۴، احتمال مهاجرت کشاورزان بیش از غیر کشاورزان است. این مقدار از نظر آماری (با احتمال کمتر از ۰/۰۲) معنادار است. در ارتباط با شیوه‌های مقابله با خشک‌سالی (برای اطلاع نگاه کنید به صابری فر و شمسی، ۱۳۸۸) مشخص شد که عملکردهای غیرفنی با نسبت شانس حدود ۲۹ و احتمال کوچک‌تر از ۰/۰۰۱ و شیوه بهره‌برداری سنتی با شانس ۲/۰۳ و احتمال کوچک‌تر از ۰/۲۰۰ و داشتن مشکلات خانوادگی با شانس ۲۹/۹ و احتمال کمتر از ۰/۰۰۱، داشتن بدهکاری با شانس ۳/۱ و احتمال کمتر از ۰/۰۰۱، سابقه مهاجرت موقت و نداشتن منبع درآمد غیر از کشاورزی و دامداری با شانس ۲/۱ و احتمال کمتر از ۰/۰۳،

جدول ۳

علت اصلی	فراوانی	درصد
مرگ و میر دام	۵۲	۴۴/۱
کاهش سطح زیر کشت	۲۴	۲۰/۳
کاهش درآمد از بخش دام	۱۴	۱۱/۹
تقلیل راندمان	۵	۴/۲
افزایش قیمت نهادهای بخش کشاورزی و فقدان سرمایه	۴	۳/۴
افزایش هزینه بخش دام	۲	۱/۷
بی‌توجهی دولت	۱	۰/۹
بیماری	۲	۱/۷
درگیری و نزاع با بهره‌برداران دیگر	۵	۴/۲
تخریب منزل	۲	۱/۷
سایر	۷	۵/۹
جمع	۱۱۸	۱۰۰

جدول ۳: توزیع علل عمده مهاجرت (اطلاعات میدانی)

آب و اراضی کشاورزی نسبت به مظهر قنات، استقرار در آبادی‌های کوچک و پراکنده و... (نگاه کنید به زمانی پور، ۱۳۸۰)، بخشی از تلاش روستاییان برای بقا در این مناطق است. اما زمانی که تنگناهای موجود با بحران‌های محیطی به خصوص خشک‌سالی تشدید می‌شود، گروهی از روستاییان ادامه زندگی را غیرممکن می‌بینند و راهی مراکز جمعیتی دیگر می‌شوند.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که از مجموع مهاجران ۵۶/۷ درصد کشاورز و ۴۳/۳ درصد دامدار و دارای مشاغل آزاد بوده‌اند. در این بین، گروه‌های کم‌سن و سال‌تر، بیش از دیگران اقدام به مهاجرت کرده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱

سن هنگام مهاجرت	فراوانی	درصد
کمتر از ۳۰ سال	۳۴	۲۸/۸
۳۱ تا ۴۰ سال	۴۲	۳۵/۶
۴۱ تا ۵۰ سال	۱۸	۱۵/۳
۵۱ تا ۶۰ سال	۱۴	۱۱/۹
بیش از ۶۰ سال	۱۰	۸/۴
جمع	۱۱۸	۱۰۰

جدول ۱: توزیع فراوانی مهاجران بر حسب سن هنگام خروج از روستا (اطلاعات میدانی)

همانطور که در این جدول مشخص شده، بیشترین تعداد مهاجرین مربوط به گروه‌های سنی کمتر از ۴۰ سال است. این افراد معمولاً هنوز تجربه کافی در ارتباط با شیوه‌های مقابله با بلایای طبیعی به خصوص خشک‌سالی را ندارند. علاوه بر آن، علائق و وابستگی آن‌ها به زادگاهشان کمتر از کهن‌سالان روستاست و به دلیل بهره‌گیری از وسایل ارتباطی جدید، از شرایط و اوضاع و احوال سایر مناطق اطلاعات بیشتری در اختیار دارند.

علاوه بر آن هرچه سن مهاجر کمتر باشد، احتمال یافتن شغل و درآمد مناسب در شهر بیشتر است. این افراد با توجه به شرایط روحی و جسمی آمادگی پذیرش مشاغل و فعالیت‌های متفاوت را دارند و به دلیل روحیه انعطاف‌پذیر، کمتر شغلی را به دلیل منزلت اجتماعی و فرهنگی آن غیرقابل پذیرش می‌دانند. البته همان‌طور که پیش از این عنوان شد، روستاییان به محض مواجه شدن با مشکل اقدام به مهاجرت نمی‌کنند. (جدول ۲)، بلکه ابتدا تمام تلاش خود را به کار می‌برند و نسبت به ارزیابی عملکرد و سیاست‌های دولت در قبال شرایط خاص به وجود آمده، اقدام می‌کنند و در صورتی که همه آن‌ها را مثمر‌تر ندانستند، آنگاه مهاجرت را بر ماندگاری در روستا ترجیح خواهند داد. برای بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت، متغیرهای مختلفی مورد مطالعه قرار گرفتند. بخش عمده‌ای از این متغیرها در جدول ۳، ارائه

* در سطح آلفای مساوی یا کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنادار است.

داشتن نگرش منفی نسبت به زندگی در روستا با شانس ۲/۹ و احتمال کمتر از ۰/۰۵، ارتباطی معنادار با مهاجرات از روستا بر اثر حوادث طبیعی به خصوص خشک‌سالی نشان می‌دهند.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس یافته‌های به دست آمده مشخص می‌شود که تنها ۲۷ درصد از مهاجران در همان سال اول وقوع خشک‌سالی اقدام به مهاجرت کرده و بقیه منتظر اقدامات دولت باقی‌مانده‌اند و خود نیز تلاششان را برای تطبیق با شرایط به وجود آمده، مصروف می‌دارند. با ناامید شدن روستاییان از اقدامات دولت و با استمرار خشک‌سالی و به اتمام رسیدن منابعی که برای شیوه‌های غیرفنی مقابله با خشک‌سالی در اختیار بوده است، تعداد بیشتری از روستاییان اقدام به مهاجرت کرده‌اند. در این مرحله، حدود ۳۷ درصد مهاجران از روستاهای مورد مطالعه خارج شده و در مجموع بیش از ۵۰ درصد مهاجران تا این مرحله از منطقه خارج شده‌اند. به عبارت دیگر، چنانچه کمک‌های دولت در این مقطع زمانی به بهره‌برداران می‌رسید، احتمال آن که دست به مهاجرت نزنند، افزایش پیدا می‌کرد. در مورد علت مهاجرت نیز مهم‌ترین عامل، مرگ و میر دام‌ها بوده است. عامل‌هایی چون کاهش سطح زیر کشت و کاهش درآمد بخش دامداری در ردیف‌های دوم و سوم قرار داشته‌اند.

متغیر	مورد		شاهد		نسبت	فاصله اطمینان (٪۹۵)	مقدار p
	تعداد	درصد	تعداد	درصد			
کشاورز	۶۷	۵۶/۷	۱۰۵	۴۴/۵	۱/۵۷	۱/۲-۲/۶	*۰/۰۲
سایر	۵۱	۴۳/۳	۱۳۱	۵۵/۵	۱	-	-
بی‌سواد	۳۳	۲۷/۹	۷۳	۳۰/۵	۱	-	-
ابتدایی	۵۷	۴۸/۳	۱۰۷	۴۵/۸	۰/۷۷	۰/۳۲-۱/۸	۰/۶۵
راهنمایی	۱۸	۱۵/۲	۳۹	۱۶/۵	۱/۳۶	۰/۵۱-۲/۶۲	۰/۵۵
متوسطه	۱۰	۸/۵	۱۷	۷/۲	۰/۸۳	۰/۳۱-۲/۲	۰/۶۹
بی‌سواد	۳۴	۳۱/۵	۴۵	۱۹/۱	۱	-	-
ابتدایی	۴۲	۳۹/۹	۱۱۶	۴۹/۲	۰/۵۱	۰/۲۴-۱/۱	۰/۰۶
راهنمایی	۱۲	۱۰/۲	۵۴	۲۲/۸	۰/۵۱	۰/۲۳-۱/۱۴	۰/۱
متوسطه	۲۰	۱۶/۹	۲۱	۸/۹	۰/۲۵	۰/۱-۵/۹	*۰/۰۰۲
بالا	۴۲	۳۵/۶	۷۴	۳۱/۴	۱	-	-
متوسط	۶۳	۵۳/۴	۱۳	۵/۵	۰/۸۵	۰/۵۲-۱/۳۷	۰/۶
پایین	۱۳	۱۱	۳۱	۱۲/۱	۰/۷۴	۰/۳۵-۱/۶	۰/۴۶
ترکیبی	۱۰	۵/۹	۱۴۴	۷۵/۴	۱	-	-
فنی	۹	۱۴/۳	۲۵	۱۳/۱	۵/۲	۱/۹-۱۴	*۰/۰۰۱
غیرفنی	۴۴	۶۹/۸	۲۲	۱۱/۵	۲۸/۸	۱۲/۷-۶۳/۴	*۰/۰۰۱
ندارد	۵۹	۵۹	۱۷۴	۸۱/۳	۱	-	-
دارد	۴۱	۴۱	۴۰	۱۸/۷	۳/۱	۱/۸۶-۵/۳	*۰/۰۰۱
ندارد	۹۸	۸۳/۱	۲۱۵	۹۱/۱	۱	-	-
دارد	۲۰	۱۶/۹	۲۱	۸/۹	۲/۱	۱/۱-۴	*۰/۰۳
دارد	۸۱	۶۷/۶	۱۹۴	۸۲/۲	۱	-	-
ندارد	۳۷	۳۱/۴	۴۲	۱۷/۸	۲/۱	۱/۳-۵/۳	*۰/۰۳
کمتر از ۵۰	۱۰۵	۸۹	۱۶۹	۷۱/۶	۱	-	-
بیشتر از ۵۰	۱۳	۱۱	۶۷	۲۸/۴	۰/۵۱	۰/۱۶-۰/۵۹	*۰/۰۰۱
ندارد	۶۶	۵۵/۹	۱۸۵	۷۸/۴	۱	-	-
دارد	۵۲	۴۴/۱	۵۱	۲۱/۶	۲/۸۶	۱/۷۷-۴/۶	*۰/۰۰۱
تقریباً مدرن	۴۴	۷۳/۳	۱۲۹	۵۴/۷	۱	-	-
کاملاً سنتی	۷۴	۶۲/۷	۱۰۷	۴۵/۳	۲/۰۳	۱/۳-۳/۲	*۰/۰۰۲
ندارد	۴۰	۳۸/۱	۲۲۱	۹۴/۸	۱	-	-
دارد	۶۵	۶۱/۹	۱۲	۵/۲	۲۹/۹	۱۴/۸-۷/۰۴	*۰/۰۰۱
مثبت	۱۰۴	۸۷/۱	۲۲۸	۹۶/۶	۱	-	-
منفی	۱۴	۱۱/۹	۸	۳/۴	۳/۵	۱/۴-۷/۸	*۰/۰۰۷
بلی	۷۸	۶۶/۱	۲۱۲	۸۹/۸	۱	-	-
خیر	۴۰	۳۳/۹	۲۴	۱۰/۲	۴/۵۳	۲/۶-۸	*۰/۰۰۱
بیش از ۳۰	۹۹	۸۳/۹	۲۰۸	۸۸/۲	۱	-	-
۲۰-۳۰	۳	۲/۵	۵	۲/۱	۰/۸۴	۰/۱۶-۴/۴	۰/۸۳
کمتر از ۲۰	۱۶	۱۳/۶	۲۳	۹/۷	۱/۵۲	۰/۷۷-۳	۰/۲۴

در این مطالعه وجود مشکلات خانوادگی، بهره‌برداری از شیوه‌های تولید سنتی و غیر کارآمد، از جمله دلایلی است که احتمال مهاجرت بهره‌برداران را افزایش داده است. احتمال مهاجرت خانوارهایی که دارای مشکلات خانوادگی بوده‌اند، قریب به ۳۰ درصد بیشتر از سایر خانواده‌ها بوده است. علاوه بر آن، کشاورزانی که کمتر از خدمات آموزشی و ترویجی بهره‌برداری کرده و سابقه مهاجرت موقت داشته و همچنین منبع درآمدی غیر از کشاورزی و دامداری نداشته‌اند، تمایل بیشتری برای مهاجرت از خود نشان داده‌اند. نداشتن بدهی به دلیل رونق کار و کسب و تولید نیز از جمله دلایلی است که می‌تواند ماندگاری افراد در روستا را بیشتر کند.

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۴، افزایش مقدار بدهکاری، روستاییان را وادار به جست‌وجوی مشاغل بهتر و پردرآمدتر کرده و به ناچار مهاجرت آن‌ها را به مراکز جمعیتی بزرگ‌تر افزایش می‌دهد. براساس نتایج این مطالعه، هرچه روستاییان تمایل بیشتری به بهره‌گیری از سازه‌های غیرفنی برای مقابله با خشک‌سالی از خود نشان دهند، احتمال مهاجرت آن‌ها افزایش بیشتری خواهد داشت. به عبارت دیگر، احتمال مهاجرت کشاورزانی که از سازه‌های غیرفنی بهره‌برداری می‌کنند، حدود ۳۰ برابر بیشتر از کسانی است که از سازه‌های ترکیب بهره‌برده‌اند.

بنابراین، چنانچه دولت آموزش‌های لازم و مورد نیاز را در اختیار روستاییان قرار دهد، آن‌ها آمادگی بیشتری برای مقابله با بحران‌های محیطی به دست می‌آورند. علاوه بر آن، نوع واکنش دولت به چنین بحران‌هایی، در اقدام به مهاجرت یا ماندگاری روستاییان، بسیار مهم و اساسی است. به عبارت دیگر اگر دولت در سال‌های اولیه بروز خشک‌سالی یا هر بحران محیطی دیگر، اقدام مفید و سازنده‌ای که از نظر روستائیان اولویت‌دار است، به مرحله اجرا درآورد، احتمال مهاجرت روستاییان کاهش خواهد یافت. بر این اساس، توجه ویژه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و رفاهی روستاها و ارائه آموزش‌های ترویجی و فنی و حمایت و پشتیبانی از روستاییان در معرض خطر، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش مهاجرت از روستا داشته باشد.

منابع

۱. آیرملو، رضا (۱۳۶۳)؛ «مهاجرت از روستا به شهرها در ایران»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۳۲، شماره ۱۳۳، صص ۲۴-۴۰.
۲. ابراهیم‌زاده عیسی (۱۳۸۰)؛ «مهاجرت‌های روستایی و علل و پیامدهای آن»، نمونه استان سیستان و بلوچستان؛ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۰، صص ۱۴۳-۱۶۸.
۳. اصلانی، مجتبی (۱۳۸۵)؛ «بررسی روند مهاجرت در جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه اخیر و تأثیر آن بر امنیت ملی (با تأکید بر مهاجرت)»، مجله جمعیت، شماره ۵۵، صص ۴۵-۸۲.

۴. ایمانی، محمدتقی (۱۳۷۵)؛ «نگاهی به مهاجرت از دیدگاه کارکردگرایی و اقتصاد سیاسی»، همشهری، سال چهارم، شماره ۹۴۵، صص ۱۶.
۵. بیک‌محمدی، حسن (۱۳۷۷)؛ «روند مهاجرت در استان اصفهان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، شماره پانزدهم، صص ۱-۱۵.
۶. پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۶۶)؛ «مهاجرت‌های روستایی خراسان»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷، صص ۷۷-۱۲۳.
۷. حمصی، محمد (۱۳۵۴)؛ «بحثی پیرامون عوامل مؤثر در مهاجرت نیروی انسانی در ایران»، نخستین سمینار مسائل جغرافیای ناحیه‌ای ایران، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، صص ۵۰-۶۵.
۸. زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۶۵)؛ «نظریه‌ای در مورد مهاجرت با توجه به نمونه ایران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره اول، صص ۱-۱۸.
۹. زمانی‌پور، اسداله (۱۳۸۰)؛ «بحران آب، مشکل دیروز، امروز و فردا»، آوای بیرجند، شماره ۱۶۵، مرداد ماه، صص ۱۳-۱۴.
۱۰. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)؛ مهاجرت؛ تهران؛ انتشارات سمت.
۱۱. صابری‌فر، رستم و شمسی، ابراهیم (۱۳۸۸)؛ «جایگاه عملگرهای غیرفنی در مقابله با خشک‌سالی»، همایش جغرافیای دانشگاه پیام نور آذربایجان غربی، ارومیه، صص ۲۰۳-۲۲۳.
۱۲. صابری‌فر، رستم و مزرعوی، عماد (۱۳۸۸)؛ «شاخص‌های توسعه انسانی و مهاجرت»، همایش جغرافیای دانشگاه پیام نور آذربایجان غربی، ارومیه، صص ۳۰-۴۵.
۱۳. قرخلو، مهدی و حسنی، کیومرث (۱۳۸۵)؛ تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۱، صص ۵۹-۸۳.
۱۴. کوششی، مجید (۱۳۶۹)؛ نگرش سیستمی در مطالعه مهاجرت؛ دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، تهران.
۱۵. لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)؛ نظریات مهاجرت، شیراز؛ انتشارات نوید.
۱۶. موجدی، ضیاء و محمدی، کاظم (۱۳۵۶)؛ پژوهش آماری برای ارائه سیمای مهاجران در تهران و تبریز؛ تهران؛ شورای نظارت بر گسترش شهر تهران.
۱۷. وحیدی، پردیخت (۱۳۶۴)؛ مهاجرت بین‌المللی و پیامدهای آن؛ تهران؛ وزارت برنامه و بودجه.

18. Clinard, Marshal B. (۱۹۶۶) Slum and Community Development in SelfHelp. New York.

19. Elias, Jr. C. E. (۱۹۶۶) Metropolis: Values in Conflict. Belmont, California.

20. Knox, Paul (۱۹۸۸) Places and Regions in Global Context. New York.

21. Ravenstein, E. G. (۱۹۲۶). "The Laws of Migration", Journals of the Royal Statistical Society, Vol. 48, pp. 167-235.

22. Tolly, George (۱۹۸۹) The Economic of Urbanization and Urban Policies in Developing Countries, The World Bank, Washington.

23. Zipf, George K. (۱۹۶۴), Hypothesis in Intercity Movement of Persons", American Sociological Review, Vol. 11, PP. 677- 686.